

۱۲۹۱

_____ سنه ۱۲۹۱ هجری مطابق ۱۸۷۴ مسیحی، ورود

_____ سردار محمد ایوب خان به مشهد و پذیرفتن

والی خراسان معظم الیه را.

غرس اشجار در باغ عشرت آباد طهران.

خوشی سال و فراوانی به تمام این مملکت.

۱۲۹۲

_____ سنه ۱۲۹۲ هجری مطابق ۱۸۷۵ مسیحی، در ماه

_____ شعبان موکب پادشاه ایران به گردش مازندران

متوجه شد و پنجم دیقعه به دارالخلافة مراجعت فرمودند.

ایجاد پستخانه معمولی در ایران.

۱۲۹۳

_____ سنه ۱۲۹۳ هجری مطابق ۱۸۷۶ مسیحی، نواب

_____ والا محمد تقی میرزای رکن الدوله والی خراسان

و سیستان شد.

ادنه نفس و عاشور لنگ سرداران ترکمان که با پانصد سوار به تاخت

سرحدات خراسان آمده بودند در میان جام مصطفی قلی خان میرپنجه با فوج

ابوالجمعی خود که ساخلو آن نقطه بود سر راه آنها را گرفته و بنای شلک^۱ توپ

را گذاشت. تراکمه خواستند فرار نمایند. در خم جولان که چال رودخانه دارد

اسبهای آنها به گل فرو می رفت، و هم نهر محمودآباد خندقی در جلو آنها شده

بود که نتوانستند آسان عبور نمایند. عاشور لنگ با هشتاد نفر مقتول و ادنه نفس

با دوازده سوار اسیر و دو بیست رأس اسب غنیمت عساکر ایران شد.

مابقی تراکمه متفرق [شده] به بیابان و کوهسار گریختند.

(۱) (= شلیک)

رسیدن اعلان جلوس اعلیحضرت فلک رفعت سلطان عبدالحمید خان
غازی - ادام الله عمره - و دولته به تخت سلطنت عثمانی، توسط منیف افندی به
دربار اعلیحضرت شاهنشاه ایران - خلدالله ملکه و دولته.

۱۲۹۴

سنه ۱۲۹۴ هجری مطابق ۱۸۷۷ مسیحی،

پیدا شدن ماموت در اصفهان

انکشاف بعضی استخوانهای ماموت در اصفهان

توسط میرزا تقی حکیمباشی حضرت والا ضل السلطان. ماموت حیوانی است
که قبل از توفان آخری در کره ارض وجود داشته، شبیه به فیل اما بزرگتر، و بعد از
توفان دیگر این جنس حیوان وجود نداشته و کسی ندیده (مؤلف).

فوت میرزای سنگلاخ شاعر معروف در تبریز به سن صد و ده سالگی، و

شب جمعه هفدهم صفر بود.

۱۲۹۵

سنه ۱۲۹۵ هجری مطابق ۱۸۷۸ مسیحی، موبک

سفر شاه به فرنگ

اعلیحضرت پادشاه ایران در بیست و یکم صفر

این سال از راه رشت به عزم سیاحت و گردش فرنگستان انتهاض فرمود.
مراجعت از این سفر در نهم شعبان.

... در شب مهمانی «بال» به پطرزبورغ، توسط

واگذاری آخال به روسها

میرزا یحیی خان ایلچی ایران که رشوه گرفته بود،

روسیان اجازه تنبیه تراکمه و امتیاز تصرف آخال را از اعلیحضرت پادشاه ایران
گرفتند که هر گاه تخطی بدان حدود نمایند، موجب کدورت این دولت نشود.

توضیح آنکه میرزای یحیی خان سفیر ایران در آن شب هنگام گرمی

مجلس به حضور همایونی عرضه داشت که چون شرارت طیوف^۱ تراکمه آخال

(۱) (= طوایف)

همه ساله موجب تصدیقات فوق العاده و خسارات بی اندازه در نواحی خراسان به رجال دولت علیه ایران است و همه وقت باید به جلوگیری آنها جمعی قشون ساخلو آن سرحدات باشند بهتر آنکه تدبیر و تنبیه آنها را دولت علیه به دولت بهیئه روس واگذار فرمایند که در همچنین مجلسی شخص ایمراتور با تمام رجال دولت خود ممنون شوند. اعلیحضرت ناصرالدین شاه هم به اصرار زیاد او امضای نوشته‌ای که در این باب حاضر کرده بودند فرمود و قول بی طرفی در امور تراکمه آخال به روس داد.

۱۲۹۶

سنه ۱۲۹۶ هجری مطابق ۱۸۷۹ مسیحی، یک
 نظم جدید سپاهیان
 دسته از سواره ایران را در طهران به وضع فزاق
 روس تحت ریاست و معلمی کلنل دمنت ویچ^۱ روس مقرر داشتند و هفت فوج
 عراقی و ششصد نفر توپچی را نیز به قانون عساکر نظامی اتریش قرار دادند.
 در خراسان سواره تراکمه که به اتفاق بکنج سردار ترکمان محض تاخت
 و تاز آمده بودند، از ساخلویان سرحدی ایران، تحت ریاست عبدالحسین خان
 سرتیپ قرایی تنبیه و تأدیب سخت شده، اسب و اسیر چندی از دست دادند و
 به آخال گریختند.

۱۲۹۷

در سنه ۱۲۹۷ هجری مطابق ۱۸۸۰ مسیحی، در
 افتادن سنگ آسمانی
 نزدیکی قشلاق شاهیسون بغدادی بین نقطه
 اشتهاارد و بوئین^۲ سنگی به زمین افتاد که تقریباً پانزده من تبریز وزن آن بود. چون
 امتحان کردند، چهار عشر آهن در صورت خالص بودن داشت. علاوه بر آن فلز
 موسوم به نیکل نیز در آن یافت می شد و بعضی از قطعات آن سنگ

۱) DIMNETVICH.

۲) اصل: اشتهاار و بوغین (بوغین) ۱.۱.

آلومینیوم سیلیکات بود.

ورود یوشیدا مسخر و به همراهی یوکویاما کوئی
جیدو مأمورین دولت ژاپون با فوکارو انولویس

ورود هیات سفارت ژاپنی به طهران

مهندس ژاپنی به طهران، که مخصوصاً ایمپراتور ژاپون برای فتح باب مروده
آنها را به دربار دولت علیه ایران فرستاده بود، با نامه و هدایای لایقه و پذیرفتن
اعلیحضرت ناصرالدین شاه مشارالیهام را به خوبی و اظهار مرحمت درباره
آنها نمودن و جواب موذت آمیز به پادشاه ژاپون ارسال داشتن.

تبیین آنکه شیخ عبیدالله نام از اکراد یزیدی و در
سلک تصوف سالها به سر برد تا جمعی به او
گرویدند و در نقطه هکاری بین اکراد تبعه

ظهور فتنه شیخ عبیدالله

در حدود کردستان یزیدی

عثمانی ریاستی به هم رسانید. و در اوقات جنگ روس و عثمانی اسلحه زیادی
به دست آورده بود. لهذا به خیال واهی افتاد که اکراد سرحدنشین دولتین
عثمانی و ایران را در تحت ریاست خود درآورد.

مقارن این حال حمزه آقای منگور از حکومت ساوجبلاغ گریزان شده به
شیخ عبیدالله پیوست، و بر قوه خیالات او افزود. لهذا در حدود کردستان
متعلقی ایران سپاهی متجاوز از شصت هزار سواره و پیاده مسلح ترتیب داده
بنای قتل و غارت و حرکات وحشیانه را که ناشی از فطرت ناپاک می باشد
گذاشت و ظلم زیادی نمود تا اولیای دولت علیه ایران از غایله خبردار شده به
تهیه سپاه و دفع او پرداختند. در ظرف بیست روز بیست و پنج هزار سپاه نظامی
با دوازده عراده توپ تحت ریاست حمزه میرزای حشمت الدوله قرار داده
روانه سمت نقاط مهمه نمودند. اما قبل از وصول اردوی بزرگ به ساوجبلاغ
مصطفی قلی خان رئیس قشون آذربایجان با مختصر سپاهی در حدود مراغه دو

هزار نفر از یاغیان را طعمهٔ توپ و تفنگ نمود و شکستهای فاحش به همراهان شیخ عبیدالله داد و ششصد هفتصد نفر آنها را که جسارت استیلا به شهر ارومی نموده بودند به قتل رسانید. و در سه فرسنگی ارومی نیز جمعی اکراد را که تحت ریاست شیخ صدیق پسر شیخ عبیدالله بودند به راه عدم فرستاد و باقیمانندگان را هزیمت دادند.

علی خان حکمران مراغه نیز قلمرو خود را از شرّ یاغیان به خوبی محفوظ داشت تا اردوی بزرگ به صاین قلعه ورود کرد و نواب حشمت‌الدوله به مرض طبیعی وفات یافت (ره). و اعتمادالسلطنه در اردو رئیس شد. تا جناب حسنعلی خان امیر نظام گروسی با فوج گروس و جمعی سواره به اردو رسیده ملحق شد و متفقاً به طرف ساوجبلاغ حرکت کردند. شیخ قادر و حمزه آقا مجال زیست در آن صفحات ندیده به طرف اشنویه گریختند. و شیخ عبیدالله نیز در حدود ارومی بدین تدبیر شکست سختی از عساکر ایران خورد که هنگام تلاقی سواران او از ترس گلولهٔ توپ بسیار دور از توپخانهٔ دولت ایران مقابل می‌شدند. تا به دستورالعمل حسنعلی خان گروسی و حسین خان سرتیپ - که اکنون ملقب به سیف نظام است - باروت شلیک اول توپها را خیلی کم کردند که وقت شلیک به فاصلهٔ سیصد قدم گلوله‌ها به زمین خورد، و در شلیک دویم قدری نزدیکتر. تا اکراد جری شدند و گفتند ترس ما بیهوده است و از توپخانه کاری ساخته نیست. لهذا هلله کنان نزدیک آمدند که توپها را به یورش متصرف شوند. آن وقت گلوله و باروت توپها را به اندازهٔ میزان جنگی گرفتند و توپچیان کاری و نامی صف سواران شیخ عبیدالله را هدف گلولهٔ توپ قرار دادند. به شلیک اول اینقدر دست و سر و تن و اسب و آدم از اکراد به خاک ریخت که به شلیک دویم مضطربانه رو به فرار نهادند و قلعهٔ اسمعیل آقا را در دو فرسنگی ارومی - که جای محکمی است - پناهگاه خود قرار دادند. و پس از چند روز از آنجا نیز به طرف نوجه که مسکن مألوف شیخ عبیدالله و در خاک عثمانی است گریختند.

و در سلخ ذیحجه عرصه ساوجبلاغ و نقاط ماوای شورشیان که در خاک ایران بود به کلی از وجود شیخ عبیدالله و متابعانش پاک شد و خود او نیز در مملکت عثمانی دستگیر و دستاخ^۱ نظر گردید.

در سنه ۱۲۹۸ هجری، مطابق ۱۸۸۱ مسیحی... شکست حمزه آقای معروف از حسنعلی خان امیر نظام گروسی که عزیزالله خان سرتیپ را مأمور دفع آنها کرد و هزار نفر از اکراد در آن روز مقتول شد [ند] و حمزه آقا به طرف خاک عثمانی گریخت.

شب غره محرّم زائره کرمانیه مفلوجی در روضه متبرکه رضوی^۲ به حسن^۱ توسل شفا یافت.

شقای زائره مفلوج

در سمنان طفلی متولد شد که چهار چشم و دو دهان و دو شاخ داشت و پس از تولد به فاصله

مولود عجیب الخلقه

یک ساعت مرد.

حاجی میرزا حسین خان سپهسالار پس از رسالت به پطرزبورغ و مراجعت به ایران

انتصاب و درگذشت فرمانفرما

فرمانفرمای خراسان و سیستان شد و در این سنه وفات یافت.

چون حمزه آقای منگور و سواد آقا و خضر آقا رؤسای اکراد یزیدی در ناحیه ساوجبلاغ دست

فریب حمزه آقا و کشته شدن او

از خودسری و طغیان نمی کشیدند خود و همراهان آنها از حسن تدبیر حسنعلی خان امیر نظام به قتل رسیدند. و تفصیل آن تدبیر این بوده که خود امیر

(۱) = دستاق) (۲) ظاهراً: حین

نظام مرحوم به مؤلف در عهد ایالت نواب خلد آشیان محمدتقی میرزای رکن‌الدوله به مشهود وقتی به زیارت مشرف شده بود صحبت داشت. بعد از فرار شیخ عبیدالله و توقیف شدن او در مملکت و دولت علیه عثمانی حمزه آقا و همراهان او در نواحی ساوجبلاغ میان ایلات اکراد مشغول گردش و شرارت بوده و به آن ملاحظه انبوهی از عساکر دولت، ساخلو آن صفحات شده بودند و ساعتی فراغت و آسایش نداشتند. تا امیر نظام کاغذی به حمزه آقا می‌نویسد و او را تطمیع به حکومت کردستان و ساوجبلاغ می‌نماید، به شرط ملاقات. در ضمن سوگند یاد می‌کنند که تا من به روی زمین باشم نخواهم گذاشت مویی از سرت کم شود. حمزه آقا مطمئن شده و عده آمدن به اردوی دولت می‌دهد. امیر نظام حکم می‌کند روز موعود دو فوج مستعد شلیک در چادرهای سمت یمین اردو مخفی می‌شوند و امر می‌کند در چادر لازمه، جنب سراپرده چاه و نقب عمیقی حفر کنند. و دستورالعمل می‌دهد که هر وقت حمزه آقا به خیمه ورود کرد و من از آن خیمه خارج شدم سراپرده و چادر را تیرباران کنید.

وقتی حمزه آقا ورود می‌کند به اردو و خیمه امیر نظام، و با سی نفر مشغول صرف شربت و شیرینی می‌شوند امیر نظام به بهانه قضای حاجت از خیمه بیرون می‌آید. خواصش که آگاه از مطلب بودند به همراهی او از خیمه خارج می‌شوند، مگر سه نفر پیشخدمت و یک نفر قهوه‌چی که در آنجا باقی می‌مانند، برای رفع توهم حمزه آقا. لیکن امیر نظام داخل نقب معین شده اجازه به شلیک می‌دهد. یک دفعه دو فوج سرباز از محل معهود سراپرده و خیمه را تیرباران می‌کنند. حمزه آقا دریافت مطلب کرده تا بر می‌خیزند چندین زخم بر آنها وارد می‌آید. اما آن پیشخدمتان و قهوه‌چی که در خیمه بودند با اینکه مثل سایرین هر کدام چند گلوله خورده بودند، باز هم حمزه آقا و همراهان او مادامی که جان در بدن داشتند آن بیچاره‌ها را با شمشیرها پاره پاره کرده بودند که

بازماندگان آن فدویان دولت ایران باید همه وقت در رفاه و مورد مراقب کامله اولیای دولت علیه ایران باشند. الحاصل آنچه اکراد داخل سراپرده و خیمه بودند مقتول شدند و احدی جان به سلامت نبرد. سایر سواران و همراهانی که با حمزه آقا آمده بودند بعضی دستگیر و بعضی متفرق شدند، و به این تدبیر رجال دولت از شر شرارت رؤسای اکراد یزیدی ایمن و آسوده گشتند.

امیر نظام پس از هفت شلیک سربازان بیرون آمده فرمان به جمع آوری کشتگان داد و افسوس زیادی به حالت پیشخدمتان و قهوهچی باشی خود داشت. اما خوشنودی قتل اشرار رفع تأسف معظم الیه را نموده سرها را با خیر این فتح بزرگ به جانب طهران فرستاد. و این تدبیر او در حضور اعلیحضرت ناصرالدین شاه طاب ثراه محل کمال تمجید و تحسین افتاد. خلعت و نشان مخصوص درباره معزی الیه مرحمت فرمودند.

۱۲۹۹

در سنه ۱۲۹۹ هجری مطابق ۱۸۸۲ مسیحی،

سردار ایوب خان در طهران

سردار محمد ایوب خان که از راه قائن به مشهد

و از مشهد به طهران عازم شد، در این مورد به حضور پادشاهی مشرف شده خود و همراهانش مخلع و مورد الطاف شاهانه گردیدند و از این دولت مخارج و مهماندار مخصوص به تمام آنها تعیین داشته و یک یک را امیدوار به نگهداری فرمودند.

میرزا حسین خان سپهسالار اعظم که در

فرمانفرمای جدید خراسان

خراسان وفات یافت، شاهزاده رکن الدوله

فرمانفرمای خراسان شد.

ایجاد [دستگاه] مسکوکات ذهبی و فضی موسوم
ایجاد مسکوکات طلا و نقره
به «چرخ» در ایران، که روز صد هزار از
ضرابخانه همه رقم مسکوک خارج می‌شد. و پنج دستگاه چرخ دایر بود. و
مدالهای دولتی را نیز به همین دستگاهها سکه می‌زدند.

و در آن سال دخل و خرج محاسب دفاتر دولتی
دخل و خرج این سال
را سنجیدند، مبلغ هشتصد و شصت و سه هزار و
نهصد و یک تومان فاضل دخل بر خرج برآمد و روز به روز درتزايد بود.

بارندگی زیاد به تمام ممالک ایران خاصه در
دیگر وقایع سال ۱۲۹۹
شیراز.

- در قریه بیدگل کاشان زنی یک شکم سه دختر آورد.
- ۲۹ جمادی الثانیه تمام جرم آفتاب در عقده ذنب منکسف شد به حدی
که جهان تاریک گشت.
- شفای دختر اصفهانیه که هم کر و هم لال بود در قم، از معجزه حضرت
معصومه سلام الله علیها.
- زلزله در شهر کازرون فارس و استر آباد.
- وقوع حریق سخت در پیره بازار رشت.
- مسموم شدن حسینقلی خان ایلخانی بختیاری در اصفهان و وفات او.
- شفای فالجی در بقعه امام [زاده] جعفر یزد.
- قلیچ خان ترکمان در نواحی آق قلعه از علاءالدوله تنبیه سخت شد.
- فرار شیخ عبیدالله از اسلامبول به عزم فتنه در محل خود و مأمور داشتن
دولت عثمانی جمعی را به گرفتاری او و بردن او را به اقصای بلاد عثمانی.

قدغن در باب خلعت مرحمتی
 سنه ۱۳۰۰ هجری مطابق ۱۸۸۳ مسیحی، از غره
 محرم این سال قدغن دولتی شد که آنچه خلعت از
 صندوقخانه مبارکه به اشخاص محترم و غیره مرحمت می شود، بلا استثناء
 شال کرمانی باشد.

از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی چند قطعه،
 نشان عثمانی به شهزادگان ایران
 نشان مخصوص الماس نشان برای حضرت والا
 ظل السلطان و سایر شهزادگان ایران واصل دربار دولت علیه گردید.

شمسیر ابن زبیر در موزه دولتی
 در ترتیب اتاق موزه دولتی ایران شمشیری از
 عبدالله بن زبیر ملاحظه شد که چند کتیبه داشت:
 کتیبه اول: امیر عبدالله بن زبیر، کتیبه دوم: عمل بهادر (!)، کتیبه سوم:
 مختار بن ابی عبیده ثقفی، کتیبه چهارم: امیر تیمور گورگانی، کتیبه پنجم: بنده
 شاه ولایت صفی، در کتیبه ششم این فرد شعر نوشته شده بود:
 هلال یکشبه مهر ذوالفقار علی به دست شاه سلیمان چو ذوالفقار علی

سفر زیارتی شاه به مشهد
 اعلیحضرت شاهنشاه ایران در ماه شوال به عتبه
 بوسی حضرت سلطان سریر ارتضی علیه
 آلاف التحية و الثناء از باهران به خراسان مشرف شده، پس از اقامت چند یوم
 مراجعت فرمودند.

عزل و نصب و وفات والی خراسان
 نواب رکن الدوله معزول و احضار به طهران و
 نواب والا حاجی حسام السلطنه به ایالت
 خراسان منصوب شد. اما روز دوم جمادی الاولی به رحمت الهی پیوست؛ و
 مجدداً فرمان حکومت خراسان به نام نواب رکن الدوله صادر گردید.

۱۳۰۲
 آصف الدوله شیرازی
 و قوانین جدید
 سنه ۱۳۰۲ هجری مطابق ۱۸۸۵ مسیحی، در این
 ایام حکومت خراسان با آصف الدوله شیرازی
 بود و بعضی قوانین جدید جاری داشت که
 باعث نظم و رفاه حال اهالی این مملکت شده فرق بین عالم و عادل (کذا) و
 ظالم و مظلوم داده می شد.

۱۳۰۳
 عزل آصف الدوله از خراسان
 و علت آن
 سنه ۱۳۰۳ هجری مطابق ۱۸۸۶ مسیحی، در
 اواخر این سال میرزا عبدالوهاب خان
 آصف الدوله به خراسان، به واسطه آنکه
 ابوالقاسم خان پسر مرحوم سردار محمد خان قرائی شصت پارچه املاک
 متصرفی خود را که واقع است در نواحی البرزکوه به والی مزبور نفروخت و به
 علیمردان خان نصرت الملک خراسانی به عنوان اجاره سپرد که توسط ایل
 طایفه یعقوب خانی آباد نماید، آصف الدوله به مشارالیه مدعی شد و بهانه
 جویی کرد. آن هم در آستانه مقدسه متحصن گردید. والی مذکور امر کرد
 ابوالقاسم خان را از بست بیرون کشیدند. اهالی شهر مشهد و رعایای تمام
 خراسان به ملاحظه اعتبار ابوالقاسم خان که از خانواده محترم قدیم خراسان
 بود دکاکین را بسته به آصف الدوله شوریدند و او را در ارگ محاصره کردند.
 توپچی و سرباز ساخلو خراسان هم اطاعت او را نکرده جلوگیری از اهالی

نمودند. لاعلاج در اواخر زمستان و اول بهار دولت علیه ایران مشارالیه را عزل و احضار به طهران [کردند] و فرمانفرما را به حکومت خراسان منصوب داشتند.

۱۳۰۴

سنه ۱۳۰۴ هجری مطابق ۱۸۸۷ مسیحی، چون

قطع شهریۀ سردار

خاطر اعلیحضرت ناصرالدین شاه از حرکت

بی اطلاع سردار محمد ایوب خان و آن همه زحمت به خود و در دسر به دولت ایران روا دار شدن رنجیده بود و انگلیسها هم خیلی مطلب حرکت سردار معظم الیه را عقب کردند شهریۀ عمده که از دولت ایران درباره سردار محمد ایوب خان و همراهان او برقرار بود، قطع شد، و قرار دادند مختصر مخارجی پس از ورود سردار به مشهد درباره خود و همراهانش بدهند.

هم در این روزها فرمانفرما از حکومت خراسان

عزل فرمانفرما از حکومت خراسان

عزل و احضار به طهران شده بود، و نواب والا

رکن الدوله حکومت و تولیت ارض طوس را دارا بود.

هم در این ایام خبر طغیان تراکمه یموت گرگان گوشزد رجال دولت علیه

شد و مصمم تنبیه و تأدیب آنها گردیدند.

۱۳۰۵

در سنه ۱۳۰۵ هجری مطابق ۱۸۸۸ مسیحی، در

سپردن سردار ایوب خان را

ماه صفر این سال حکمی از دارالخلافه به نواب

به قونسول انگلیس

والا رکن الدوله والی خراسان صادر شد که سردار

(۱) رنجش ناصرالدین شاه به سبب عزیمت ناگهانی سرار محمد ایوب خان به سمت افغان - بدون اطلاع دولت ایران - و تسلیم او به قونسول انگلیس، به علت تهدیدی بود که از حضور ایوب خان در ایران، برای امیر عبدالرحمن خان امیر دست نشاندۀ انگلیس در افغانستان احساس می شد. تفصیل هر دو مطلب در مجلد عین الوقایع بخش مربوط افغانستان ذیل وقایع همین سالها آمده است.

محمد ایوب خان را با همراهانش دستاخ^۱ نظر نموده به قونسول انگلیس بسپارد.

۱۲۰۶

و هم در این سال دو فوج سرباز پیاده با چهار تنبیه تراکمه یموت
هزار از سواره خراسانی و هشت عراده توپ و استعداد حربی کامل نواب والا محمد تقی میرزای رکن الدوله از خراسان حرکت داده خود نیز به قصد تنبیه تراکمه شرور یموتی عازم گرگان شد. و از دارالخلافت طهران نیز وجیه الله میرزای سیف الملک با چهار فوج سرباز منظم و هشت عراده توپ و هزار سوار مأمور دفع تراکمه مزبور گردیده، اردوهای این دو سردار محترم ایران در نواحی بجنورد و استرآباد به هم ملحق شدند.
رؤسای اردوی خراسان از این قرار بودند:

- امیر حسین خان شجاع الدوله قوچانی با قهرمان خان نائب الحکومه و هزار سوار.

- یار محمد خان سهام الدوله بجنوردی با هزار سوار.

- علیمردان خان نصرت الملک حاکم ایل تیموری با پانصد سوار.

- محمد اسماعیل خان هزاره با پانصد سوار.

- و سایرین از خوانین دره جز و کلات و چناران و غلامان کشیکخانه و اطراف دیگر بودند با سواران ابواب جمعی خود که از آن جمله محمد اسماعیل خان هزاره را مقدمه الجیش - قبل از حرکت اردو - با پانصد سوار هزاره فرستادند. و مشارالیه دلیرانه پیش رفت تا به نقطه بسیار صعبی که تراکمه بر او حمله آورده جنگ سختی کردند و سواران هزاره عقب نشستند، و بیرق آنها به تصرف تراکمه درآمد.

روز دیگر سواران هزاره به قصد تصرف شدن بیرق خود حمله سختی به تراکمه نمودند و چند نفری از تراکمه به قتل رسیدند اما بیرق را نتوانستند

(۱) (= دستاق)

پس بگیرند. تا وقتی که اردوهای دولتی از سمت طهران و خراسان رسیدند و در حوالی آق‌قلعه خیمه و خرگاه زدند. و چند نفر راه بلد تعیین نموده روزی اوّل آفتاب فرمان یورش به طرف اوبه و محل یاغیان تراکمه دادند. عساکر پیاده و سواره از جا در آمده حمله‌ور شدند. در نقطه تنگنایی جمعیت میرکان تراکمه سر راه را گرفته با تفنگهای ته‌پُر شلیک پیاپی می‌نمودند. تا چند سواری به دلالت راهنمایان مخصوصی که داشتند رفتند، از عقب سر آنها را هدف گلوله قرار دادند و راه اردو باز شد. به فاصله دو ساعت تمام اوبه و اقامتگاه یاغیان را احاطه کرده جمعی از آنها [را] کشتند و انبوهی زن و دختر و پسر اسیر نمودند و آنچه دارایی آنها بود به یغما بردن و تاراج سختی کردند. گاو و اشتر و گوسفند آن طایفه نیز آنچه در صحرا و محل آنها بود کلاً به تصرف عساکر سواره ایران آمد. و مؤلف به مناسبت حال، این چند فرد را به نظم درآورد:

| | |
|----------------------------|-----------------------------------|
| سحرگاه کین چرخ نیلوفری | تهی گشت از زهره و مشتری |
| درخشان درآمد به طاق سپهر | زمشرق فروزان و تابنده مهر |
| سپاه جهانگیر ایران زمین | مهیّا شدند از یسار و یمین |
| به فرمان شهزاده کامگار | محمدتقی رکن دولت مدار |
| خدیدو خراسان و فرمانروا | مهین چاکر آستان رضاع ^۱ |
| که کشورستان بود و آفاق گیر | برازنده تاج و تخت و سریر |
| چو بر شاه ایران برادر بُدی | بر آن جیش اقبال افسر بُدی |
| غو کوس بر شد به چرخ برین | بلرزید زان، دشت گرگان زمین |
| چو قصد نبرد عدو داشتند | ز لشکر علمها برافراشتند |
| سراسر سران خراسان سپاه | همه همچو سیاره اطراف ماه |
| به رزم مخالف ز قلب و جناح | برآمد سپاهی مکمل سلاح |
| همه آهنین خود و فیروز جنگ | به رزم آزمایی چو شیر و پلنگ |
| در آن دشت کردند شوری بلند | ز خیل مخالف به تیر و کمند |

شد از غرّش توپ آن بوم و بر
ز یک سمت دیگر به صد طمطراق
که سردار بود و وجیه آله
یگانه سرافراز والا گهر
امیر گرانمایه و تیز چنگ
بیاراست لشکر در آن دشت صاف
کشیدند شیفور حکم یرش
جهان پر شد از شورش گیرودار
تفنگ ورندل زخیل سپاه
همه ترکمانان ز بیم و هراس
برفتند با خیل اهل و عیال
که آسوده گردند زان قیل و قال
پس آنگاه زان فرقه نابکار
جلوگیر شهزاده کامیاب
ره بوم و بر را گرفتند تنگ
سنانها به کف جمله را بی دریغ
به سوی سپه حمله آور شدند
ز غوغای آن ترکمانان شوم
یکی حمله بردند بر میمنه
زُخ آورد دیگر سوی میسره
یکی مدعی را به شمشیر زد
یکی با دم تیغ الماس گون
یکی را سر نیزه بر دیده شد
یکی برد از دوش دشمن سری

چو بنیاد بی پایه زیر و زبر
رئیس همایون سپاه عراق
سپهدار و نام آور و نیکخواه
سزاوار شمشیر و زرین کمر
سپهر هنر شیرغزمان (کذا) به جنگ
پی حمله و عزم مصاف
به سوی عدوی ستم پرورش
ز آواز توپ و صدای سوار
به صحرا در افگند دود سیاه
بچیدند از دشت گرگان اساس
به یک گوشه آن مردم بدسگال
وز ایشان نگردهد خسی پایمال
برون شد پی جنگ چندین هزار
چو بر جیش کاووس افراسیاب
در آن دشت کردند آغاز جنگ
تفنگی به دوش و به یک دست تیغ
درآویز با خیل لشکر شدند
بیچید غوغا در آن مرز | او | بوم
ز قلب سپه پُر دلان یکتنه
که کار عدو را کند یکسره
یکی بر دل دیگری تیر زد
دو پاره شد و گشت از زین نگون
یکی را سر و دست ببریده شد
یکی شد نهان در پی دیگری

یکی دست بکشاد بهر ستیز
یکی غرق خون ساخت پیراهنی
یکی سینه اندر دم تیر داد
یکی اسپ انگیخت مردانه وار
ز ایران سپه توپ آتشفشان
یکی شد زغیرت به خون اندرون
یکی را کله خود از سرفتاد
یکی داشت از دشمنان احتراز
یکی داد مردی به شمشیر داد
یکی گشت نومید از خویشتن
یکی زندگی را فراموش کرد
یکی غوطه‌ور شد به دریای خون
یکی زیر ابر سپر شد نهان
ز شمشیر و گرز و سنان و تفنگ
که فولاد زاری شد آن پهن دشت
دلیران ایران به رسم قدیم
بکشتند و بستند بس ترکمن
سران سپاه خراسان زمین
به فرمان شهزاده نامدار
سوی ترکمانان فرس تاختند
گشودند چنگال مردی چو شیر
سراسیمه قوم شرارت طلب
بر احوال خود زار و گریان شدند
چو جمعی که باشند بی‌خانمان

یکی پای بنهاد زو در گریز
یکی دست آویخت بر دامنی
یکی شانه در پیش شمشیر داد
یکی شد مهیا برای فرار
علمدار را زد به تیر نشان
یکی گشت از خیل لشکر برون
یکی را سر خصم در برفتاد
یکی خشم آلوده مثل گراز
یکی غرق خجالت به میدان ستاد
یکی خورد بس تیر پزان به تن
یکی خاک را اندر آغوش کرد
یکی گشت بسمل چو صید زبون
یکی بُرش تیغ کرد امتحان
چنان گرم گردید بازار جنگ
توگویی گیاه زمین تیر گشت
فشردند پا را بلا ترس و بیم
که شد مایه افتخار وطن
فکندند شورش به چرخ برین
چو سیلی که آید به فصل بهار
بسی پشته از کشته‌ها ساختند
نمودند جمعی از ایشان اسیر
گریزان به صد گونه رنج و تعب
در آن دشت حیران و نالان شدند
پریشان بر آن کوه و هامون روان

تعاقب کنان لشکر شیردل
بگشتند چندان که راهی نماند
پس آنگه دلیران ایران زمین
برفتند هر یک چو ترکان مست
نمودند تاراج چندان دواب
دلیران به فتراک و دوش و بغل
به باد فنا رفت چندین اساس
به هر اوبه زان حال با ترس و بیم
چو دیدند بیچاره و مضطربند
امان خواستند از سران سپاه
امان دادشان رکن دولت ز مهر
به انعام و خلعت بسی زان گروه
چو غرق محیط حمیت شدند
ز تسخیر گرگان و فتح سپاه
شهنشاه جمجاه فیزوز بخت
از این مژده گردید دل شادمان
در آن بزم اسباب شادی تمام
به هر شهر حکم همایون رسید
از آن فتح ایران و ایرانیان
بیاسود ملت ز شرّ فساد
الهی جهان تا بود پایدار
که ایران بیاساید از قیل و قال
به اسلام ناید خلل زان قبیل
به سلطان ایران بسده اقتدار

از آن قوم در جنگل آب و گل
بر آن قوم جز جان پناهی نماند
به مأوای آن قوم دل پر ز کین
به یغما و غارت گشادند دست
که تعداد آن ناید اندر حساب
ببردند اسباب خصم دغبل
ز اموال آن قوم حق ناشناس
دل ترکمانان زغم شد دو نیم
به طوفان مرگ هر یکی اندرند
که باشند در سایه پادشاه
در کینه بربست و بگشاد چهر
ببیراست دارای کیوان شکوه
به سلطان ایران رعیت شدند
بسی مژده بردند نزدیک شاه
که بُد زینت کشور و تاج و تخت
ببیراست بزمی چو باغ جنان
مهیّا نمودند بر خاص و عام
نواهای شادی به گردون رسید
که گشتند غالب به تورانیان
چو آن رأیت ظلم از پا فتاد
برآورد ز اعدای ملت دمار
نگردد ز جور عدو پایمال
که هندوستان نیست خوار و ذلیل
که این ملک و ملت بماند قرار

ریاضی به تاریخ آن کارزار چنین زد رقم تا بود یادگار

یادداشت مؤلف
در هنگام مسافرت مؤلف به سرحدات گرگان آنچه به تحقیق پیوست پس از ورود اردوی

کیوان شکوه ایران بدان نواحی تراکمه یاغی گریزان به نقاط دور رفته بودند و عساکر ایران را آب رودخانه جرجان و اشجار و نیزار چال و بیشه مانع از پیش رفتن به طرف داخله گرگان بوده و امکان نداشته که سوار یا سرباز یا توپخانه عبور نماید و به محل سکناى آنها برود.

پس از تحقیق که همدست و شریک یاغیان چه طایفه هستند؟ خیانت چند هزار خانوار تراکمه اطراف آن قلعه و کولکلان و بعضی از یموت و غیره که همه وقت مصدر شرارت و با یاغیان همدست بودند، ثابت و محقق شده و عمده مایه فساد آنها بوده اند که در ظاهر تبعه ایران و باطناً به طغیان و شرارت همدست و راهنمای یاغیان می شدند، لهذا امر به تاراج همان تراکمه داده و آنها را از هم زده بودند (مؤلف).

القصه پس از این فتح نمایان سپاه ایران ساخلو و استعدادی فراوان در آق قلعه و سایر نقاط گذاشتند اردوی نواب رکن الدوله با غنیمت زیاد به خراسان مراجعت نمود و نواب سیف الملک امیرخان سردار با سپاه ابوالجمعی خود متوجه طهران شد.

۱۳۰۷
لباس اروپایی برای قشون ایران
سنه ۱۳۰۷ هجری مطابق ۱۸۹۰ مسیحی،
اعلیحضرت شاهنشاه غازی ناصرالدین شاه امر

به اصلاح امور قشونی و لوازم استعداد حربی و سلاح لشکریان ایران فرمود و بسیاری از افواج را ملبس به لباس اروپایی نمودند.

در ساوجبلاغ زنی از اکراد یزیدی طفلی آورد، شبیه به میمون.

رجال دولت علیه به نظم بنادر فارس و سرحدات خراسان پرداختند.

۱۳۰۸

تحریر تنباکو

سنه ۱۳۰۸ هجری مطابق ۱۸۹۱ مسیحی،

کمپانی انگلیس که مدتی مشغول مذاکره گرفتن

امتياز عمل دخانیات این مملکت بود در این ایام امتیاز حاصل نموده به هر یک از بلاد ایران گماشته مخصوصی تعیین داشتند که تنباکو را به نرخ معینی جمع آوری نموده، اداره ای به جهت فروش آن تعیین نمایند.

و مقصود دولت انگلیس این بود که بدین وسیله آلودگی کامل در ایران داشته باشند و نفوذ گماشتگان پلتیکی آنها، در تمام نقاط آسان شود. هم دخلی برده باشند و هم به مقصود خود نایل گردند. شرح آن مقصود کتاب دیگری لازم دارد. اکنون به همین قدر اکتفا شد که:

چون بطون این مطلب از صاحب شریعت اسلام پوشیده نبود پس از چند ماه به تأیید و اشاره صاحب حقیقی اسلامیان و فتوای حضرت حجّت الاسلام آقای حاج میرزا حسن مجتهد شیرازی مقیم سرمن رأی تلگرافی به ایرانیان رسید که استعمال تنباکو فعلاً حرام است.

به محض استماع و شهرت این تلگراف در تمام بلاد اسلام اهالی ترک قلیان کرده از احتیاج استعمال دخانیات در آمدند. حتی مردمان عیاش بی ملاحظه و زنان زاینه در خلوت و جلوت قلیانهای خاصه را به زمین زده شکستند.

عجب اینکه هر کس گرفتار به اعمال قبیحه دیگر از قبیل شرب خمر و تریاک و چرس و بنگ و نشأجات غیر معروف هم عادی بود و حرمت قلیان و سیگار را قبول کرده ابدأ استعمال نمی کرد و دخانیات در ایران منسوخ شد، به طوری که مستأجرین و مأمورین رژی انگلیس متحیر ماندند و در صدد چاره برآمدند. اما اهالی ایران بر ضد خیالات آنها اقدام کرده و در بسیاری بلاد

شوریدند و به ادارهٔ رژی ریخته تمباکوها را آتش زدند و مستخدمین ایرانی را که اجزاء ادارهٔ مزبور شده بودند مورد ملامت قرار داده مکافات سخت دادند و گردن سگان را بسته در کوچه و بازار گردش می‌دادند و مخاطب به نام رؤسای ادارات مذکور می‌کردند. خصوص در خراسان و کاشان که هنگامهٔ غریبی سرپا شد.

یکی از شعرا در شورش کاشان به کیفیت رژی اشعاری به نظم آورده که مفصل است. چند فرد به خاطر مؤلف آمد و اینک نوشته شد:

| | |
|-------------------------------------|---|
| از سرّمن رای چو جناب استخاره کرد | شاه جهان پناه بسی استشاره کرد |
| سلطان عصر ناصر دین بود و لطف حق | حفظ حدود سلطنتش را هماره کرد |
| هر کس که داشت غیرت اسلام زین عمل | یاخن ^۱ درید و پیرهن صبر پاره کرد |
| از یک اشاره میل و منار بزرگ را | بر مقعد فرنگی و اهل اداره کرد |
| آن درد بی‌دوا که به ایران رسیده بود | حکم رئیس ملت اسلام چاره کرد |
| سلطان انگلیس چو این امتیاز یافت | اعلان مژده بادف و چنگ و نقاره کرد |
| اما هزار حیف که از کج خیالش | حاصل ز دود آتش ایران شراره کرد |
| هر کس که بود خائن اسلام آن زمان | ز الودگی به کشور ایران کناره کرد |

الحاصل فرنگیان مأیوس شده دست از دخالت به امور دخانیات کشیدند و ملتجی به حکام و بزرگان ایران شده جان خود را به سلامت از ورطهٔ بلا نجات دادند.

۱۳۰۹
 در سنهٔ ۱۳۰۹ هجری مطابق ۱۸۹۲ مسیحی،
 تعیین قرانتین به سرحدات باخرز نقطهٔ کرات و
 طابئات^۲ به واسطهٔ وبای هرات، که مأمورین حفظالصحه نتوانستند حدود را

(۱) (= بیخه) (۲) تایید

منظم نگه دارند و آن مرض در هفدهم شوال به مشهد نفوذ کرد و بیست هزار جمعیت از شهر و اطراف تلف نمود و به دهم ذیحجه سرایت آن به نزدیکی طهران رسید و از مشهد دفع شد.

در این سال میرزا فتحعلی خان صاحب دیوان به ایالت خراسان منصوب [گردید] و از حسن نیتی که داشت، شهر را وانگذاشته در سوگ رعایا متأسف بود.

وفات سید جلیل مرحوم میرزا محبعلی خان
وفات محبعلی خان ناظم الملک

ناظم الملک - از رجال دولت علیه - که به حسن عقیدت و تدبیر بی نظیر بود و بخشیدن اعلیحضرت همایون شاهنشاهی لقب و منصب آن مرحوم را به جانب میرزا جهانگیر خان خلف ارجمند سعادت‌مند مغفور مزبور.

و نیز مرحوم امیر علم خان حشمت‌الملک که به
وفات حشمت‌الملک

عتبه بوسی حضرت رضا (ع) مشرف شده بود هنگام مراجعت به قهستان، در قریهٔ بیلان گناباد بدرود جهان گفت. انا لله و انا الیه راجعون.

به فوتش گوهری غواص آسا پی تاریخ چون در بحر غم شد
به دل پای رضا آورد و گفتا به فردوس برین میر علم شد
(۱۳۰۹)

و آن مرد محترم شجاع و متدین بود که در مدت عمر جز خدمت با صداقت در راه ملک و ملت و دولت ایران کاری نداشت. یکی از کارهای نامی او قتل زعفران خان افغان [بود] که شرحش در محل خود نگاشته شده و دیگر

فتح سیستان و از همه بالاتر قصاص خون آقا سید محمد هراتی را [گرفت] که در جنگ هرات و محاصره مرحوم حسام السلطنه کامران مهمند^۱ به قتل رسانیده بود.

وفات شیخ عبدالرحیم خراسانی
فوت شیخ عبدالرحیم از اجله علمای خراسان
که مصرع تاریخ وفات آن اینست:
به قصر برین شد محمد رحیم (۱۳۰۹)

وقایع دیگر سال ۱۳۰۹
غرق ۲۲ نفر کرجی در مرداب بین پیره بازار
انزلی از شدت توفان. تگرگ زیادی در سمنان
بارید.

طبع کتاب ینابیع الموده توسط میرزا شفیع خان اعتماد التولیه.

۱۳۱۰
بازگشت شاه از سفر سلطان آباد
در سنه ۱۳۱۰ هجری مطابق ۱۸۹۳ میلادی،
مراجعت اعلیحضرت ناصرالدین شاه طاب ثراه
از سفر سلطان آباد و امر به نظم و آبادی آن قصبه و تعمیر و تعیین اوقاف امامزاده
سهل بن علی علیه السلام که در آن نواحی است.
و منصوب شدن نواب والا شاهزاده مؤیدالدوله به ایالت خراسان و
سیستان و عزل جناب صاحب دیوان از حکمرانی این مملکت.
از اشتهار معجزه در بادکوبه به ایران چراغانی [به] عمل آمد که می گفتند:
حاجی رضا نامی از اهالی قفقاز که در روز عاشورا با نصرانیة فاحشه ای مشغول
فعل شنیع بوده و به همان حالت مثل سگ نر و ماده به هم متصل مانده و جمعی
دیده بودند تا بعد رها شدند. والله اعلم.

(۱) اصل: مسمند.

جز قتل شیعیان و اقدامات ملت افغانستان بر ضد

و حاج میرزا ابراهیم سبزواری

قواعد ملت ایران گوشزد جناب مستطاب

شریعتمدار آقای حاجی میرزا محمد ابراهیم سبزواری خراسانی الاصل شد و توسط تلگراف با پادشاه ایران گفتگوها نمود. من جمله اخبار داد که اگر دولت ایران به ملاحظه مخارج اردوکشی حمایت از شیعیان افغانستان نمی نماید چهل هزار تومان نقد و پنج هزار و پانصد خروار جنس من خودم به مصارف سپاه می دهم و اگر دولت به طفره و تعلل بگذارند، خودم مہیای حرکت و رفتن به جانب افغانستانم، با انبوه ملت که به حکم جهاد بروم.

جواب و سؤال اعلیحضرت پادشاه ایران با نماینده دولت انگلیس در

این باب و مهلت خواستن دولت مزبور از شاهنشاه ایران که یک ماهه اسباب آسایش و رفاه حال شیعیان افغانستان را فراهم نماید و مذاکره دولت مزبور با امیر عبدالرحمن خان والی کابل در این خصوص.

فتنه بین طایفه کلهر در نواحی کردستان و گروس

وقایع دیگر سال ۱۳۱۰

و امن داشتن حسنعلی خان امیر نظام آن فتنه را به

تدابیر حسنه خود.

شیوع وبایی در بسیاری نقاط عراق ایران.

ترقی کارخانجات اسلحه و فشنگ سازی دولت علیه ایران به دارالخلافه

طهران که مطابق با کارخانه آلمان تفنگ و فشنگ ساختند.

در سنه ۱۳۱۱ هجری مطابق با اواخر ۱۸۹۳ و

۱۳۱۱

اوائل ۱۸۹۴ مسیحی، مقرر داشتن این دولت

تعیین سرحدات خراسان و آخال

محمد صادق خان امین نظام را با جناب میرزا

و وفات شجاع الدوله

جهانگیر خان ناظم‌الملک و اردویی از خراسان، برای تقسیم سرحدات بین خراسان و آخال، که امیر حسین خان شجاع‌الدوله قوچانی نیز همراه رفت و در یوم یکشنبه یازدهم ربیع الاول در قریه فاروج از اسب افتاد و وفات یافت، و محمدناصر خان پسرش در عوض به حکمرانی قوچان منصوب و ملقب روانه مقصد با مأمورین مزبور گردید. و نتیجه این مأموریت آن شد که قراء و کوهسار نقطه فیروزه سرحد قوچان با بسیاری اراضی سرحدات دره جز و کلات و سرخس جزو خاک آخال و ضمیمه قلمرو روسی شد. و خسارت اردوکشی از برای دولت ایران بی حاصل بود. چرا که اگر امین نظام با سوار و قزاق و سرباز هم به این مأموریت نمی رفت مهندسین و رجال دولت بهیه روس از نقطه معینه حالیه ابداً به سمت خاک ایران تخطی و تجاوزی نمی کردند.

مراجعت مؤلف از قوچان به ارض اقدس در ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۱۱.
 زلزله سخت قوچان به شب هشتم جمادی الاول ۱۳۱۱ سه ساعت از شب رفته که متجاوز از ده هزار جمعیت زیر آوار ماندند.

۱۳۱۲

سنه ۱۳۱۲ هجری مطابق با اواخر ۱۸۹۴ و اوائل

وفات میرزای شیرازی

۱۸۹۵ مسیحی، وفات وحید عصر حضرت

حجت الاسلام آقای حاجی میرزا حسن شیرازی اعلی الله مقامه در سرمن رأی، که در سوگواری آن مرحوم ملت اسلام در هر بلدی از بلاد عالم اساس تعزیت چیدند. خصوصاً در مملکت و ملت ایران که چند روز قوانین سوگ جاری و دکاکین بسته و فرش عزا به هر رهگذری گسترده بود.

فرد به تاریخ فوت آن جنت آشیان:

حور ز جنت برون سر پی تاریخ کرد گفت بگو از جهان رفت به جنت حسن

(۱۳۱۲)

فوت جناب شریعتمدار آقا میرزا احمد رضوی خراسانی نیز در آن ایام
اتفاق افتاد.

عزل سرکار والا شاهزاده مؤیدالدوله از حکومت خراسان و نصب
حاجی غلام رضاخان آصفالدوله شاهسون.

۱۳۱۳

سنه ۱۳۱۳ هجری مطابق ۱۸۹۵ مسیحی، در
عزیمت و مراجعت شاه از بیلاقات
شاه قاجار تشریف فرمای قصر یاقوت سرخه حصار شد و روز سوم جمادی
الاولی از بیلاقات عزم مراجعت به داراخرافه فرمود. هنگام ورود به طهران،
چندین هزار از سپاه افواج سواره و پیاده و توپخانه تحت فرمان حضرت اشرف
والا کامران میرزای نائبالسلطنه وزیر جنگ این دولت به آراستگی تمام [به]
استقبال موکب همایونی آمده به بهترین قوانینی به مراسم استقبال پادشاه خود
بنای شلیک و شادیانه را گذاشتند.

جناب میرزا رضا خان معینالوزاره که چندی
جنرال قونسول تفلیس و ممالک قفقاز بود و بعد
به جنرال آجودانی حضور همایونی مفتخر گشت
مأموریت میرزا رضا خان
و لقب ارفعالدوله

و به سمت وزیر مختاری و ایلچیگری این دولت به دربار اعلیحضرت امپراتور
اعظم ممالک روس رفت. از حسن صداقت و درستکاری خود ملقب به
ارفعالدوله و دارای نشان درجه اول شیر [و] خورشید شد.

در حقیقت این شخص کافی باکمال، زیننده همه نوع عنایت و در خور
همه قسم مرحمت دولت علیّه ایران است. ای کاش مثل آن وزیر مختار نیکنام،
عموم مأمورین دولت اسلام به حفظ مراتب و خیرخواهی دولت و ملت خود
خدمت و صداقت به خرج دهند.

مواجه و نشان محتشم السلطنه^۱
جناب میرزا جعفر خان نائب وزارت خارجه
پسر مرحوم صدیق‌الملک - حاجی محتشم -
السلطنه - از حسن کفایت و صداقت خود به نشان درجه اول شیر و خورشید و
پانصد و هشتاد تومان اضافه^۲ مواجب سرافراز شد.

وقایع دیگر سال ۱۳۱۳
در مراغه میر اسماعیل نام تاجر میان باغ خود
تفنگ پر می‌کرده، غفلتاً آتش گرفته و گلوله به
سینه‌اش خورده فوراً مرد.

علیمردان خان نصرت‌الملک حکمران طائفه تیموری و نواب محمد
حسن میرزا - منتصرالملک - سرکشی در امور ایالت داشتند گرفتار و از شهر
مشهد به بلوکات فرستاده شدند.
در این ایام رجال دولت و ملت ایران در تدارک جشنی به تشکر سنه
خمسین سلطنت پادشاه خود بودند، اما بی‌وفایی دنیا نگذاشت!

کشته شدن ناصرالدین شاه
قتل اعلیحضرت ناصرالدین شا طاب ثراه در
ظهر یوم جمعه ۱۷ ذیقعدہ ۱۳۱۳ بین روایین
زاویه متبرکه حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه که رضا نام بابی کرمانی سینۀ
بی کینۀ آن پادشاه را در آن محل از راه عناد غفلتاً هدف گلوله قرار داد و آن
پادشاه فلک خرگاه، که در حقیقت مایه برکت و اعتبار این ملت بود، فوراً جان به
جان آفرین تسلیم نمود. نظم المؤلفه:

چو آن بی‌مروت بر افراخت دست پی قتل شاهنشہ حق پرست
فلک شد به بحر الم غوطه‌ور ملک برد از غصه سر زیر پر

(۱) حسن اسفندیاری (محتشم‌السلطنه) (۲) اصل: اضاف.

غبار غم اندر دل مردمان
 که آمد سلیمان به چنگال دیو
 پی کشتن شاه ایران زمین
 جهان سربه سر محنت آباد شد
 ستاده نظاره کنان هر کسی
 نگریدید تیر بلا را سپر
 چه سازد به او خادم مهربان؟
 ره چاره سدّ است از چارسو
 که روحش بود شاد اندر بهشت
 همه عاقلان کور گردند و کور
 چو آن بی مرّوت بر انداخت تیر
 به خاک اندر آورد جمجاه را
 پیاده شد و در زمان گشت مات
 وزیرش عیان گفت روحی فداک
 ریاضی چه خوش گفته در ماتمش
 که شد بی گنه ناصر دین قتل

تو گویی فرود آمد از آسمان
 ز ایران به افلاک بر شد غریو
 قضا با قدر گشت آن دم قرین
 چو آن شه گرفتار جلاد شد
 در آن روضه خلد آیین بسی
 ولیکن کسی بهر آن تاجور
 بلی شاه را چون سرآید زمان
 اجل چون کسی را شود رو به رو
 چه خوش گفت استاد نیکوسرشت
 قضا چون ز گردون فرو ریخت پر
 به قصد شهنشاه آفاق گیر
 خراشید قلب شهنشاه را
 شه پیل افکن ز اسب حیات
 رخ خویش بنهاد بر روی خاک
 زد آتش به دلها شرار غمش
 بکارا شمردم کم از این دلیل

[۱۳۳۶ - ۲۳ = ۱۳۱۳]

نوع دیگر:

که شد بی گنه ناصر دین شهید

مقابل به تاریخ آور پدید

[۱۱۴۰ + ۱۷۳ = ۱۳۱۳]

چند فرد شعر مثنوی از «گوهری» است:

فلک اوضاع جشنش را به هم زد عطارد نامه بر قتلش رقم زد

سه از هفتاد کم بُد سال عمرش
 به سیزده صد ز بعد سیزده سال
 به ظهر جمعه چون سلطان بی سر
 مه ذیقعه بود و هفدهم روز
 برای پنجهم سال جلوسش
 بحمدالله چراغش نیست خاموش
 به تأیید خدا و شاه لولاک
 مظفر شه که نامش باد در دین
 شهست همچون سکندر، صدر اعظم
 مدان ای حاسد از نامش محقر
 قضابشکست ناگه بال عمرش
 به جنّت شد روان با فرّ و اقبال
 به اوج قرب حق بگشاد شهپر
 که بر دل ماند این داغ جهانسوز
 بدل شد عیش عالم بر فسوسش
 ولیعهدش خردمند است و باهوش
 شود به از پدر این گوهر پاک
 به حق ذوالجلال و آل یس
 بود خضرش به تدبیرات محکم
 تعالی شسانه الله اکبر

و در مادهٔ تاریخ این وقایع رامی شاعر فرد شعری بیان داشته و باید
 حروف منقوطة مصرع آخر حساب شود:

کلک را می دُرفشان تاریخ فوتش زد رقم

ترک کرده ناصرالدین شه مقام و تاج را

و نیز این رباعی از «گوهری» علیه الرحمه است:

به تاریخ وفات شاه جمجاه
 جهان را سربرید و برد با خویش
 بگفتا گو... ی دلخون و غمگین
 سوی قصر جنان شه ناصرالدین

وله:

سال فوتش پای هستی را برید
 میرزا عبدالکریم «کوثر» گفته:
 برداشت سر ناله یکی با خود گفت
 ناصرالدین شد بر اورنگ جنان
 ای وای بشد ناصر دین شاه شهید

[هراتی گفته]:

چو شد ناصرالدین از این دار فانی
به تاریخ او گفت شخص هراتی
سوی ملک باقی و حیداً فریدا
لعاش سعیداً و مات شهیدا

[نائب التولیه]:

نائب التولیه که رفعت او
گفت در فوت ناصرالدین شاه
اندر این آستانه باد مزید
دو الف کم مضی شهید سعید

دیگری گفته:

در وفات شاه عالم ناصرالدین قائلی
وہ چه خوش گفت این مضامین کان خیرالناصرین
حاجی مهدیقلی میرزای سهام الملک گفته:

تاریخ شهادتش غم بسیار است
باید که هزار سال در ماتم بود ۱۳۱۳

مسکین هراتی الاصل گفته:

تاریخ شهادتش رقم زد مسکین
شد ناصر دین به روز آدینه شهید

«کحالی» شاعر گفته:

یکی از آن میان زاری کنان بیرون شد و گفتا
تهی ماند از شه صاحبقران تخت شهنشاهی

جلوس اعلیحضرت مظفرالدین شاه خلدالله ملکه به تخت سلطنت کیان.
مصرع در ماده تاریخ: شاه بر سر نهاد تاج کیان (۱۳۱۴)

و نیز رامی شاعر گفته:

دو چشم خصم درآید برون از این تاریخ

جلوس شاه مظفر مظفرالدین است (۱۳۱۴)

معمول شدن تذکره به سرحدات افغانستان، از طرف این دولت که واقعاً بدعتی بود و اکنون باعث منع عموم زائرین فقیر افغانستان شده؛

معمول شدن تذکره

در مرز افغانستان

زیرا قوه ادای وجه تذکره حالیه را ندارند. از آن جهت در ظرف سال منتهی پانصد نفر آدم از کسبه و تجار و خوانین و اجزای دیوانی و بیکاری افغانستان به مشهد آمد و شد می کنند لاغیر. اما سابق بر آن سالی متجاوز از ده هزار زوار افغانستان و غیره محض زیارت می آمدند و آسایش حال آن چند روزه زائر بودن خود را از مرحمت و عدالت اعلیحضرت پادشاه ایران می دانستند. حال بر عکس شده؛ خصوص از زمان اقتدار مأمورین بلژیکی.

مؤلف از قول عموم زوار و آرزومندان اهالی افغانستان که شوق زیارت حضرت رضا و ائمه هدی علیهم السلام را همه ساله داشته و دارند و حال مایوس مانده اند در خطاب به حضرت ثامن الأئمه عرض می کنم:

ای خسروی که قبله حاجات عالمی

وی آنکه سبط پاک رسول مکرّمی

ما را به شوق کوی تو عزم پریدن است

زینسان که نیست طاقت تأخیر یکدمی

اما چه چاره اینکه براه دیار تو

سدی است همچو سد سکندر ز آدمی

وقایع سالهای ۱۳۱۴ - ۱۳۲۴

سالهای پادشاهی مظفرالدین شاه

۱۳۱۴

سنة ۱۳۱۴ هجری مطابق ۱۸۹۶ مسیحی،
جلوس مظفرالدین شاه
جلوس مقتدر (کذا) و تاجگذاری رسمی
اعلیحضرت مظفرالدین شاه قاجار بر سریر سلطنت کیان، به دارالخلافة تهران،
که در این باب گفته شده:

در جلوس مظفرالدین شاه
گفتم این مصرع از پی تاریخ
که دهد نصرتش ز لطف خدا
ملک و ملت بها گرفت و جلا

جشن کامل در تمام بلاد ایران که اهالی به رضای خود، محض تشکر
جلوس میمنت مانوس آن پادشاه شادمانیها و چراغان مفصلی نمودند.

لمؤلفه:

مظفر شهنشاه فیروزبخت
بیساراست رایات فتح و ظفر
به فرمان او گشت ایران تمام
به ایران چو شد صاحب تاج و تخت
نهاد آن زمان تاج شاهی به سر
وزان شادمان مردم خاص و عام

فلک خاک درگاه او داد بوس
 که این نکته کلکم به نامش نوشت
 پس از الف در سیصد و چارده
 درخشان و تابنده چون ماه و مهر
 چو خاشاک لرزان ز باد بهار
 به جان و دل خصم چندین شرار
 خدا دادش اندر جهان برتری
 وزان زندگی نیکش آمد به فال
 کند پادشاهی چو جدّ و پدر
 ز بدخواه هرگز نیابد گزند
 بود زینت تخت و تاج و نگین
 که ایزد مر او راست آمرزگار
 که باشد مظفر شهش جانشین
 بر این تخت سلطانش برقرار
 ریاضی دعاگوست در هر دمش

چو بنمود بر تخت شاهی جلوس
 مبارک قدم بود و نیکو سرشت
 جلوش مظفر به دین آمده
 بود طالع او به طاق سپهر
 ز بیمش عدو گشته ناپایدار
 ز آب دم تیغ او آشکار
 ز بس بود زیبنده سروری
 به اورنگ شاهی برافراخت بال
 که تاج کیانی گذارد به سر
 خدایش دهد عمر و بخت بلند
 چو نام شهی شد مظفر به دین
 بدان ناصرالدین شه کامکار
 از آن زد قدم سوی خلد برین
 به ارواح آن رحمت کردگار
 که ایران چراغان شد از مقدمش

در واقع اعلیحضرت شاهنشاه معظم‌الیه صاحب رأفت و به رعایا مهربان
 و طالب آسایش عموم اسلامیان است.

عزل جناب میرزا علی اصغر خان صدراعظم و توقف* او در قم.

روز دوشنبه غرّه رجب این سال که اعلیحضرت _____
 مظفرالدین شاه به شکارگاه دوشان تپه تشریف _____
 شکار شاه

داشت، پلنگی را به تفنگی صید فرمود، بلامعاونت غیرا

* اصل

مگر حق که با او مددکار شد
 شه شیردل بهر صید پلنگ
 چو ترک کمانکش به وقت دفاع
 پلنگی که چون شیر مغرور بود
 بینداخت تیری از آن راه دور
 کزان تیر هنگام دود تفنگ
 چنان گشت غلطان به روی زمین
 ریاضی به مدح شه سرفراز
 که بادا زبون خصم اسلامیان
 به هر ورطه‌اش یاور و یار شد
 فشنگی بینداخت اندر تفنگ!
 نشان کرد پیشانی آن سباع
 ز شه قرب سیصد قدم دور بود
 چو پیکان دلدوز بهرام گور
 چو صید زبون بر سر آمد پلنگ
 که شه را قضا گفت صد آفرین
 سرود این سخن خوش به صوت حجاز
 ز پیکان شه چون پلنگ زیان

فرستادن تجار و بزرگان کرمانشاهان مبلغ پانصد

پانصد لیره برای طلاب

لیره وجه نقد خدمت حجت الاسلام آقای صدر

به سامره که معظم‌الیه تمام آن مبلغ را به قروض طلاب داد و آنها را همراه خود
 به نجف اشرف برد.

وفات مرحوم میرزا فتحعلی خان شیرازی

وفات صاحب دیوان و وقایع دیگر

صاحب دیوان دولت علیه به مرض قولنج در

فارس و دفن آمدن او به قرب جوار حضرت رضا علیه السلام.

وفات مرحوم جنّت آشیان حاجی شیخ محمد تقی مجتهد خراسانی

اعلی‌الله مقامه در روز شنبه ۱۴ ماه صفر ۱۳۱۴.

تهیة ساعد السلطنه اردوی مفصلی از عساكر و توپخانه در جلگه گره‌گاه

بروجرد به یک فرسنگی خرم‌آباد به امر همایونی.

آمدن چهار عراده توپ‌ی که اعلیحضرت نیکلا
هدیه نیکلا
امپراتور روس از توپخانه خاصه خود با لوازم آن
به اعلیحضرت شاهنشاه ایران به رسم یادگار فرستاده بود به طهران و توسط
مسیو بوتسلف وزیر مختار تقدیم حضور شد.

به واسطه حفظ‌الصحه سرحدی خراسان کیتان
قزاقان روس در سرحد خراسان
بندرأف روس با صد و چهل سوار قزاق و چند
صاحب منصب جزو و اجزاء قزانتین و اطبای روسی و استعداد طبّی کامل به
خراسان ورود نموده به چند نقطه مقیم شدند.
اول، تربت حیدریه؛ دوم، کاریز تایباد؛ سوم برآباد خواف و کرات.
دولت علیه ایران نیز از سواره تیموری و هزاره و غیره به معیت آنها موقتی مقرر
کردند. اما دکتر چندی با قزاق مسلح از تهران محض حفظ‌الصحه سرحدی
مأمور داشتند.

قتل میرزا ابوالقاسم طبیب نظام، در ریگ روان
وقایع دیگر سال ۱۳۱۴
سرخس به دست سارقین در ماه صفر.
کشتن و سوختن پنج نفر بابیه را اهالی در تربت حیدریه، به فتوای شیخ
علی اکبر یزدی و شیخ علی اکبر تربتی در ماه ربیع‌الاول.
دست کشیدن سربازان فوج دماوندی از خدمات در مشهد به واسطه
تأخیر مواجب که از دیوان صادر شده بود و حکام نرسانیده بودند.
خلع تامسین^۱ نایب اول قونسولگری انگلیس از امتیازات دولتی خود در
مشهد به واسطه بی‌احترامی که به یکی از بزرگان نمود.

(۱) اصل: طائباد. (۲) ظاهراً تامپسن درست است.

صدور دستخط همایونی به تقسیم ایام هفته
جهت رسیدگی شخصی به امورات سلطنتی،

خطاب به وزیر خلوت که به تمام وزارتخانه‌ها ابلاغ نماید.
روز شنبه عرایض وزارت خارجه را به لحاظ انور برسانند.
روز یکشنبه عرایض وزارت جنگ از لحاظ همایونی بگذرد.
روز دوشنبه تعطیل باشد.
روز سه‌شنبه عرایض وزارت داخله و تلگرافات ولایات به خاک پای
همایونی ارائه داده شود.
روز چهارشنبه عریضه جات وزارت عدلیه به نظر مبارک برسد.
روز پنجشنبه عرائض متظلمین و متفرقه در پیشگاه همایونی حاضر
گردد و جمعه تعطیل.

در لیلۀ دوشنبه هفتم شعبان، هفت ساعت از شب
رفته در جزیره قشم نواحی فارس زلزله شدید

هولناکی حادث شد که اهالی سر به بیابانها گذاشتند و بعضی از آنها به سفایینی
که در ساحل دریا بود پناه بردند. واقعاً هر که حالت اهالی را می‌دید قضیه
قیامت و مصداق [آیه] کریمه «و تری الناس سُکاری و ما هم سُکاری و لکن
عذاب الله شدید»^۱ را معاینه می‌نمود. چون عظام رمیم اموات جدید و قدیم از
قبور بیرون افتاد و کوههای بلند فرو ریخت و پشته‌ها پست شد و جمع کثیری از
اهالی با دواب زیادی تلف شدند.

قرانتین گذاشتن دولت ایران به بنادر مملکت فارس و سرحدات
افغانستان به ملاحظه طاعون هندوستان.

(۱) آیه ۲، سوره حج.

احضار شدن میرزا علی خان امین‌الدوله به
تهران و منصوب شدن به صدارت.

صدارت امین‌الدوله

زلزله در قوچان به شب پنجم رمضان چهار دفعه
روی داد اما صدمه به اهالی نرسید.

وقایع دیگر سال ۱۳۱۴

کشتن همراهان حاجی اسماعیل نام جعفر نامی را در قریه نامن سبزوار
که نعش مقتول را به گلخن حمام برده سوخته بودند.
کشتن نادریشی شخص عطاری را از اهالی محمدآباد سبزوار برای
چهار تومان دارایی او.

در خمسه، گرگان به فصل زمستان به شهر ورود کرده صدمه زیاد به اهالی
زدند. بلی گرگ گرسنه که در بیابان قوتی نبیند به شهر ورود می‌کند و اطفال
صغیر را عوض بزه شیرخوار می‌درد.
و زنی در آن بلد دو طفل اناث از یک شکم توأم زایید که پشت آنها به هم
چسبیده بود، و پس از یک هفته هر دو به یک دفعه مردند.

تحویل شمس به برج حمل در یوم شنبه ۱۴ شوال این سال بود.
آتش گرفتن دکان باروت‌سازی در همدان و تلف شدن سی نفر از کوچک
و بزرگ که اسباب آتشبازی می‌خریدند، در ۱۶ شوال، هنگام عصر.
رفتن علاءالدوله با یک فوج سرباز و پانصد سوار به دزفول عربستان
ایران.

نقار بین علماء خراسان به واسطه اوقاف که جناب حاجی میرزا
محمدباقر با ایالت سازش نمود، و جناب میرزا زین‌العابدین رئیس‌الطلاب را
در لیلۀ ۳ ذیقعدۀ ساعت پنج، محاصره و دستگیر نمودند. اهالی و عموم طلاب
در منزل جناب آقا شیخ اسماعیل اجماعی کرده خیال هیاو داشتند.

آصف الدوله به اجازه دولت علیه رئیس الطلاب را که بیگناه بود پس از چند روز به شهر ورود داد و هنگام ورود او تقریباً هشتاد هزار نفر استقبال نمودند. کشتن یار محمدخان سهام الدوله بجنوردی سلیمان خان پسر خود را در ماه ذیقعده.

بقعه‌ای که برای محلّ مدفن شاهنشاه سعید ناصرالدین شاه طاب‌ثراه به جوار مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) می‌ساختند به اتمام رسید و نعش مبارک آن پادشاه را که در تکیه دولتی مدت یک سال امانت بود روز پنجشنبه ۱۹ ذیقعده با تشریفات تمام به آن محل حمل نمودند، در صورتی که عموم سفراء و وزراء و تجار و اهالی شهر به تشییع جنازه حاضر بودند.

از نوادر اتفاقات، زوجه محمدعلی نام توپچی بسطامی به یک شکم سه دختر آورد و هیچ‌یک نمردند.

در قزوین زنی هنگام وضع حمل وفات یافت. چون احساس حرکت و حیات از طفل می‌شد به اجازه علماء شکم میته را دریده طفلش را سلامت بیرون آورده به دایه سپردند.

در عشر آخر ذیحجه به کوه بنان و شهر کرمان زلزله شدیدی حادث شد که چند قریه را خراب کرد و در ۲۵ ذیحجه مجدداً به شهر کرمان زلزله شد که بیست ثانیه طول کشید و «گنبدسبز»^{۱۱} ویران گشت.

عزل آصف الدوله شاهسون از حکومت خراسان

که بنای سوء سلوک را با اهالی گذاشته و خیلی حقوق مردم را از میان برده بود. و منصوب شدن

عزل آصف الدوله

و نصب رکن الدوله

نواب والا محمدتقی میرزا به فرمانفرمایی این مملکت و ورود شاهزاده علینقی میرزای عین‌الملک به سمت نائب‌الایاله و خوشنودی و استقبال شایان اهالی از

۱۱ به قبه سبز شهرت دارد (۱،۱).

معظم‌الیه در ۲۳ ذیحجه الحرام؛ چون شاهزاده مذکور، خلیق و مهربان و خوشقدم است.

... از طرف اعلیحضرت منلیک پادشاه حبش
نشان خاتم سلیمان به ارفع الدوله
توسط اتوزوزف ایلچی مخصوص دولت حبش
یک قطعه نشان خاتم سلیمان درجه اول به جناب میرزا رضاخان ارفع الدوله
وزیرمختار ایران مقیم پترزبورغ واصل و زیب پیکر آن نماینده محترم دولت
علیه ایران گردید.

۱۳۱۵
سنه ۱۳۱۵ هجری، مطابق ۱۸۹۷ مسیحی...
وقایع سال ۱۳۱۵
حکمرانسی شهر عبدالعظیم و حکومت
دارالخلافة طهران به امر همایونی واگذار به نواب اشرف والا شاهزاده سلطان
حسین میرزای نیرالدوله بود.

عزل جناب منیف پاشا سفیر کبیر دولت عثمانی
تکمیل کارخانه بلورسازی طهران
و نصب و ورود جناب شمس‌الدین پاشا به دربار
همایون پادشاه ایران.

اسب دوانی دولتی و انعام پادشاهی درباره دستجات سوار به دوشان تپه
در این سال که مفصل و بیست و یک بیرق به میدان حاضر بود.
سان عساکر و نشانه زدن با توپهای جدیدالاختراع نیز به همان روز به
عمل آمد.

تحویل آفتاب از حوت به حمل روز ۲۷ شوال این سال بود.
ورود حضرت والا ظل السلطان از اصفهان به طهران و شرفیاب حضور
همایونی شدن در ۲۴ ذیحجه.

نصب میرزا علی خان امین الدوله به صدارت؛ فرد تاریخ:
 داخل به صدارتش بود پای علی تاریخ بجوی صدراعظم باشد (۱۳۱۵)
 از طرف اعلیحضرت سلطان عثمانی شمشیری به رسم هدیه و یادگار
 توسط ناصرالملک به اعلیحضرت مظفرالدین شاه واصل شد.
 حرکت نواب والا رکن الدوله از طهران به عزم خراسان و رفتن به بجنورد
 و گرگان محض رفع تعدیات حکام به اهالی و سرکشی آن سرحدات.

وفات مرحوم حاجی میرزا ابراهیم مجتهد

وفات حاجی میرزا ابراهیم

سبزواری معروف به شریعتمدار اعلی الله مقامه

شریعتمدار سبزواری

که یکی از مردمان متمول و باهمت دنیا محسوب

بود و پس از فوت آن مرحوم کربلایی علی نام مباشری که داشت، خود را به
 روی خاک آن مغفور انداخت و گفت: خدایا، بعد از این آقا من زندگی
 نمی‌خواهم و فوراً جان تسلیم کرد.

شفای شل چندین ساله از زایرین هراتی به آستانه حضرت رضا

علیه‌السلام.

روز چهارشنبه غره محرم ماضیه زوجه مردی

مولود عجیب‌الخلقه در استرآباد

معروف به اصغر لوطی وضع حمل نمود و

دختری آورد دارای چهار گوش که دو از جلو و دو از عقب سر بود و نیز چهار
 دست داشت که دو از جلو و دو دست از عقب، و دارای دو فرج بود یکی بالا و
 یکی قدری پایین‌تر، و نیز چهار پا داشت که دو در جلو و دو به دنبال، و یک
 خطی هم از وسط سر تا میان پیشانی کشیده، و کله‌اش برابر سه کله انسان
 طبیعی بود. بعد از تولد دست و پای خود را تکانی داده و از دنیا رفت.

مسافرت تیر (?) صاحب قونسول انگلیس در
کوهپایه خراسان و بام صفی آباد و معدن فیروزه و

سبزوار با جمعی همراهان خود.

(کردستان): مختصر اردوی نظامی از طرف سالارالملک روز پنجم
محرم حرکت نموده به قلعه شاه آباد مریوان ورود کردند. شیخ عمر رئیس اشرار
و یاغیان آن محل پناه به توپخانه آورد، معفو شد.
(خراسان): مدیرالدوله به منصب تولیت آستانه رضوی منصوب شده در
اوایل ربیع الاول به مشهد ورود کرد.

آتش گرفتن کارخانه باروت سازی سبزوار که چند اتاق را خراب کرد.
سرقت شدن هفتاد و دو تفنگ و رندل با فشنگ از ذخیره خراسان توسط
هدایت سلطان نام و سربازان دسته او در فوج فیروزکوهی ساخلو مشهد.
بسیاری وقایع این سال در ایران و اروپا شباهت به وقایع سال ۱۲۷۲
هجری، مطابق ۱۸۵۷ مسیحی داشت، که آن را تکرار ایام و تکرر حوادث
می نامند.

قتل حاجی محمدنام بابی معروف در مشهد،
کشتن و سوختن حاجی محمدبابی

روز هیجدهم رمضان، که به خارج درب مدرسه
ملا محمدباقر میان بازار سید صادق یزدی و سه نفر دیگر اول او را گلوله باران
کردند و بعد با نفت آتشش زدند که این مطلب باعث هیجان اتباع خارجه شد و
به دولت ایران شکایت کردند. نتیجه آن شد که جناب شیخ اسماعیل ترشیزی و
جناب رئیس الطلاب را از مشهد به قاین و سیستان بردند، در اواخر رمضان. به
شهر تا چند روز مهمه و سرباز و توپ به گذرها مهیا بود.
بنای باغ و آبادی گل خطمی در خارج شهر مشهد.

احضار شدن جنرال ولاس اف مقیم مشهد به پطر [زبورغ] و نصب جنرال پانافدین در اوایل ماه محرم به قونسولگری خراسان.

۱۳۱۶

در سنه ۱۳۱۶ هجری مطابق ۱۸۹۸ مسیحی،
تقدیمی چلچراغ به آستان قدس
اعلیحضرت مظفرالدین شاه چهل چراغ بیست
و چهار کاسه ممتازی توسط جناب میرزا عبدالله دبیرالتولیه به آستانه رضوی
تقدیم فرمود، با مخارج و مصارف سالیانه که تولیت آن هم همه وقت با خود
دبیرالتولیه و اولاد او باشد.

آقا سید محمدسعید فرزند ارشد جناب حاجی
مؤیدالتولیه و جمال التولیه
سیدحسین نائب التولیه ملقب به مؤیدالتولیه و آقا
سید عباس فرزند دیگر معزی الیه ملقب به جمال التولیه شد [ند].

عزل میرزا علی خان امین الدوله از صدارت در
عزل و نصب صدراعظم
ماه محرم و نصب جناب میرزا علی اصغرخان
صدراعظم سابق که ملقب به اتابک اعظم شد.
آن صدر جهان کزو جهان خرّم شد
کفّ کرّمش گشایش عالم شد
در عهد پدر به صدر اعظم نایل
در عهد پسر اتابک اعظم شد

تغییر و تبدیل وزراء دربار، که من جمله حاجی
تبدلات و انتصابات
میرزا محسن خان مشیرالدوله رئیس دارالشورا

شد.

علی اشرف خان احتشام‌الوزاره که در خراسان بیباکی در امور کارگزاری داشت معزول و جناب میرزا محمدقلی خان منتخب‌الملک که سالها به خدمت با صداقت و حسن نیت معروف پیشگاه همایونی بود به کارگزاری^۱ خراسان و سیستان منصوب شد.

مسافرت شاهزاده اسعد کامگار ملک منصور
سفر شعاع السلطنه به فرنگ
میرزای شعاع السلطنه به فرنگستان و پذیرایی
دل به طور احترام نواب معظم‌الیه را.

سواد دستخط اعلیحضرت همایون مظفرالدین شاه خلدالله ملکه
به میرزا علی اصغر خان اتابک اعظم

جناب اشرف صدراعظم.

از ساعتی که شغل و مقام صدارت را به عهده جناب شما واگذار و تفویض فرمودیم حل و عقد و نیک و بد امور دولت و سلطنت را از شخص شما می‌خواهیم و شما را در جزئی و کلی کارها مسؤول می‌دانیم. در این صورت شخص شما باید در تمام امور داخله و خارجه و لشکری و کشوری و بیوتات و عملجات مخصوص و غیرمخصوص بدون استشارة احدی اصلاحات صحیحه که مقرون به صرفه و صلاح مملکت و سلطنت است، از عزل و نصب و حفظ حدود و اجزاء وزارت‌خانه‌ها بدون هیچ ملاحظه معمول دارید و از احدی رعایت و اغماض نداشته باشید. و هیچ‌کس حق ندارد اجازه مجدد آن را داشته باشد و مستقیماً استیدان و استدعائی نماید.

هر مسأله که مصلحت در اجرا بدانید علاوه بر اختیار تامه که داده‌ایم در صورت لزوم فوراً دستخط آن نوشته شود و بفرستید که بدون تعطیل سریعاً

(۱) اصل: کارگذاری

مقرون به صحّ و امضای ما خواهد شد. هریک از ترتیبات سابقه را هم که تصویب ندارید باز بدون ملاحظه شخصی از احدی به عرض برسانید که به شرف قبول مقرون خواهد شد. و هیچ فردی از طبقات عالی و دانی از این حکم خارج و مستثنی نیست. باکمال قوت قلب و استظهار خاطر به فضل خدا بر طبق مدلول این دستخط مشغول کار و اجرای آن باشید. ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۱۶

فرستادن جناب حاجی محمدکاظم ملکالتجار
دیگر وقایع سال ۱۳۱۶
معروف را از طهران به اردبیل به طور مفصّر که
بعد از چندی معزی‌الیه را احضار نمودند.

مخلع شدن جناب میرزا اسدالله خان مشارالسلطنه نایب وزارت خارجه ایران که با کفایت و کاردان است از الطاف همایونی.
(خراسان): شرارت افاغنه صحرائی که چند نفر آنها در مشهد دستگیر شدند.

افتتاح قنات، عسکریه - خارج بلده مشهد - توسط جناب حاجی معاونالتجار که جناب میرزای ناظر و سایر اجزاء آستانه به خیال اینکه قنات مزبور تحصیل آب از نهر قریه طرق موقوفه می نماید عنفاً مسدودش کردند.
حرکت نواب والا رکن الدوله والی این مملکت به گردش کوهپایه در اواخر ربیع الثانی.

وفات سردار غلام حیدرخان افغان در قریه گل مکان که موجب مرحوم مذکور از دولت علیّ ایران سالی دو هزار و پانصد تومان و از امارت جلیله افغانستان سالی پانصد تومان نقد است. و اکنون هم همه ساله از هرات آن مبلغ توسط محمدحسن خان رساله دار به سردار غلام علی خان پسر آن مرحوم تسلیم می شود.

تخلیه فریمان^۱ از اللهیارخان سرکرده سوارجامی.

نزاع جناب میرزا محمدباقر و حاجی میرزا عبدالمجید خادم باشی - که یکی از علماست - به واسطه شیخ موسی ترک در ماه جمادی الاول.

حرکت قونسول انگلیس از مشهد به طرف کوه هزار مسجد و دره جزو کوهپایه خراسان.

طغیان بعضی از اکراد زغفرانلو بر ضد محمدناصرخان شجاعالدوله به اشاره خسروخان.

وفات امیرمحمدخان برادرزاده حیدرقلی خان سهامالدوله در حینی که قصد تسخیر بجنورد را حسب الارث داشت و طرف با یارمحمدخان سهامالدوله بود، در ماه جمادیالثانیه.

آتش زدن اشخاص مغرض ابواب بیوت بعضی اجزاء قونسولگری روس را که آن مطلب باعث اتهام چند نفر شد.

مأموریت ظفرالدوله شاهسون به ریاست قشون خراسان.

عزل مدیرالدوله از تولیت آستانه رضوی (ع) و نصب صدیقالدوله در ماه ذیقعد.

استعفای میرزا شفیع خان مستشارالملک از وزارت خراسان در ماه ذیحجه.

نزاع سرداران بلوچ ناروئی و خوانین سیستانی که سردار محمدعلی خان، برادر سردار درویش خان بلوچ و شاهگل نام سبیلی با جمعی سیستانی مقتول شدند.

و مستوفی میرزا عبدالخالق خان مهاجر کابلی از قبل ایالت خراسان روانه سیستان شد.

۱) فریمان نام محلی است در سرجام (حاشیه مؤلف).

مکافات عمل _____
 در کرمانشهان شخص تفنگچی به عزم شکار رو
 به کوهی نهاد. در گشت و گذار خود به مغاره‌ای
 که کنام گرگی بود رسید و گرگ فرار اختیار نمود. تفنگچی داخل مغاره شد.
 هفت بچه کوچک از گرگ دید. چشمهای آنها را کور کرد و مراجعت نموده
 تفصیل را به اهالی محل خود گفت و پس از چهار ماه رفت که ببیند بچه‌های
 گرگ چه شدند؟ وقتی نزدیک مغاره رسید گرگ‌زادگان به هوای آنکه مادرشان
 طعمه آورده یکدفعه از کنام بیرون آمدند. اسب تفنگچی رم برداشت و
 صاحبش را سخت به زمین انداخت. بچه‌گرگان دویده عوض طعمه او را
 خوردند. اسب بی صاحب به خانه برگشت. وقتی به ردجوئی او رفتند، جز
 استخوان و رخت پاره پاره او چیزی ندیدند.

۱۳۱۷ _____
 سنه ۱۳۱۷ هجری مطابق ۱۸۹۹ مسیحی،
 تاسیس مدارس ملی _____
 تاسیس مکاتب ملیه در تهران و بعضی بلاد ایران
 خصوص در سنندج کردستان توسط علی اکبر خان صادق‌الملک که مکتب
 درستی بنا نهاد و شروع به تعلیم اطفال شد.
 گرفتن جشنی برای میمنت آن اقدام به دارالخلافت در ۲۶ ماه ختم‌السنه
 ماضیه.

مختصر شورش در طهران بر ضد مستخدمین _____
 وقایع دیگر سال ۱۳۱۷ _____
 بلژیکی.
 وفات مرحوم صدیق‌الملک طاب ثراه از رجال معروف دولت علیه.
 سفر حاجی میرزا علی خان امین‌الدوله با معین‌الملک به مکه معظمه و
 مدینه منوره و بیت‌المقدس.

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله
وزیر خارجه

رفتن حاجی میرزا محسن خان مشیرالدوله
جهت معالجه به برلن پایتخت آلمان و نصب
جناب میرزا نصرالله خان مشیرالملک به وزارت

جلیله خارجه که پس از چندی خبر وفات مشیرالدوله رسید. و برحسب کفایت
و آگاهی جناب معظم‌الیه - [نصرالله خان] - ملقب به مشیرالدوله شد. خداوند آن
وزیر بی نظیر را از بلیات محفوظ دارد که در راه ملت و دولت کمال صداقت را
به خرج داده و می‌دهد.

نصب شدن جناب میرزا حسنعلی خان امیرنظام به ایالت کرمان و
بلوچستان.

گرانی در طهران و آمدن غله زیاد از روسیه که باعث رفاهیت شد.
عید نوروز سلطانی و تحویل حمل در روز ۴شنبه ۱۹ ذیقعه اتفاق افتاد
و روز پنجشنبه سلام عام بود.

آمدن شاهزاده بلغارستانی به ایران

پرنس چارتورسکی^۱ برادرزاده پرنس کوپورغ
امیر بلغارستان که به سیاحت اسلامبول رفته بود

از راه ایران مراجعت کرده به طهران وارد و پذیرایی شد و نشانی از درجه اول
دولت، اعلیحضرت پادشاه ایران به او مرحمت فرمودند.

قرض ۷۵ ساله از روسیه

قرض این دولت مبلغ شصت میلیون فرانک که
معادل بیست و چهار کرور تومان پول ایران

است از بانک استقراضی روس مقیم ایران به فرع صدی پنج که تا مدت هفتاد و
پنج سال متدرجاً به قرار قسط پردازد. و مرهون داشتن عایدی گمرکات ایران را

1) CZARTORVSKI;

سواى بنادر فارس عوض قرض که در صورت تأخیر ادارهٔ بانک به گمرکات،
تحویلدار مخصوص از خود بگذارد.

_____ استخدام بلژیکیها
مستخدم شدن مسیو نوزو^۱ کاستین بلژیکی به
وزارت و ریاست گمرکات دارالخلافة و خراسان
با جمعی بلژیکیان که سال آتی را باید شروع به دخالت و ریاست نمایند.

_____ شرکت اسلامی اصفهان
افتتاح شرکت اسلامی در این شهر به حکم و
تأیید حضرت والا ظل السلطان که یکی از
غیرتمندان اول سلاطین زادگان اسلام است.

غلبهٔ حاجی چراغعلی خان نائب الحکومهٔ دزفول بر جمعیت اعراب
سارق که مشغول دستبرد بدان نواحی بودند.
منظم داشتن نواب عین الدوله لرستان را.

_____ وقایع دیگر سال
مسافرت سفاین روس و آلمان و فرانسه به
خلیج فارس و هیجان انگلیسها از این مطلب.

ظهور طاعون در بوشهر، که دولت به قلع آن مادهٔ اقدامات وافیه به خرج
داد.

تعدی اهالی یزد به زردشتیان و فرمان همایونی به آسایش آنها صادر
شدن.

1) NAUS, JOSEPH.

خیانت‌های علی اشرف‌خان
اعتمادالوزاره

خیانت میرزا علی اشرف‌خان اعتمادالوزاره و
علی‌اکبرخان حشمت‌الملک به سرحد
بلوچستان و سیستان که بسیاری اراضی که خاک

متعلق دولت را برای رشوه انگلیسها واگذار شده‌اند.

ایضاً خیانت میرزا علی اشرف‌خان احتشام‌الوزاره در سرحد گنبد
قابوس که صدمهٔ مآل آن خیانتها به ایران زیاد است.

طغیان تراکمهٔ یموت‌گرگان و رفتن ساعدالدوله سردار حکمران استرآباد
به تنبیه آن طائفه و مالیات گرفتن و مراجعت نمودن.

یافتن چند خم طلای مسکوک در قصبهٔ اشرف طبرستان.

مأموریت محتشم نظام به استرآباد با عساکر زیاد.

اخبار خراسان

منصوب شدن جناب میرزا صدرای نجدالسلطنه
به وزارت مالیه از قبل شاهزادهٔ اسعد والا

رکن‌الدوله والی این مملکت.

اقدامات وافیهٔ علینقی میرزای عین‌الملک به آبادی قنوات اطراف

سبزوار.

حرکت قونسول انگلیس از مشهد به طرف قوچان و رفتن به عشق‌آباد و

معاودت به قوچان و رفتن به بجنورد و برگشتن به معدن فیروزه که همه جا
عکس برداشته، از راه نیشابور به مشهد آمد.

انتقال کُلِّ املاک سردار محمدخان قرائی به مؤلف.

در محلهٔ نوغان شهرت یافت که زنی شب عاشورا حنا بسته و سگ شده.

روز چندین جمعیت به سیاحت می‌رفتند و مبلغی عاید اشخاص مخترع این

مطلب گردید که سگ را حنا بسته و حنابند به پایش بسته بودند، یا غیر آن بوده!

العلم عندالله.

طغیان سارقین در حوالی ارض اقدس و راه تربت و سرخس که
قراسواران باشی ضمناً در موافقت آنها مضایقه نداشت.

_____ تراکمه
استعفای سید میرزا حسین خراسانی الاصل
ملقب به «ایشان» از سرحدداری که سابق اسیر
تراکمه بود و در ترکستان او را «وردی بای ایشان» می‌گفتند. و جمعیت زیادی از
طوایف تراکمه بعد از فتح آخال همراه خود به کوکلان نواحی بجنورد آورده
تابع دولت ایران ساخت و سرحدداری را به او دادند. اما یارمحمدخان سردار
حکمران بجنورد راضی نشد.

موقوف شدن شبیه درآوردن به تعزیه خانه‌های خراسان.
اتمام نهری که به سرخس ناصری توسط شاهزاده محمدحسین میرزای
مهندس حفر شد و مثل طاحونه سرکوه دور از آب ماند و پنج هزار تومان پول
دولت را بی جهت صرف کردند.

_____ مناظره هراتها و اعراب
جنگ دسته هراتی با دسته اعراب در لیلۀ سلخ
صفر و مجروح شدن چند نفر از طرفین، که
فردای آن شب مؤلف با جناب نائب‌التولیه و گرامی فرزند مؤلف به اصلاح
گذرانیدم.

میزان عایدی تذکره خراسان که هشت سال قبل پانصد تومان بود در این
سال به بیست هزار تومان رسید.
نفوذ اجزاء سیاسی انگلیس به سیستان و مقیم شدن در آن نواحی به انواع
وسایل و لطائف‌الحیل.

ورود جناب حاجی میرزا حسن آشتیانی اعلی الله مقامه از طهران به